فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه
Journal of Approaches in Sociology and Development
https://www.jasd.ir
دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۴۴ تا ۶۷
eISSN: 3115-7955
Research-Mixed

# Designing a good and sustainable governance model based on social capital in Tehran Municipality

**Ahmad Reza Banaei Esmaili [1], Mohammad Mohammadi [2], Mohammad Reza Soltani [3]**

1- Department of Public Administration, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran.
2- Department of Public Administration, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3- Department of Human Resource Management, Faculty of Management, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.

**Receive:**
*05 June 2026*
**Revise:**
*09 July 2026*
**Accept:**
*09 August 2026*

**Keywords:**
Good governance, sustainable governance, social capital, Tehran Municipality.

## Abstract

**Objective:** The objective of the present study was to design a good and sustainable governance model based on social capital in Tehran Municipality.

**Method:** The research population consisted of 15 managers and experts in the field of good and sustainable governance and social capital, faculty members, managers and experts from 22 districts of Tehran Municipality who were selected based on purposive sampling using the data saturation technique. Data collection was carried out using semi-structured in-depth interviews and data analysis using thematic analysis.

**Findings:** The findings of the thematic network analysis showed that 225 initial codes, 45 central codes, and 6 main themes including trust and legitimacy in the good and sustainable governance process, networks and information flow in policymaking, citizen participation and participatory governance, norms, values and ethics of policymaking, justice, human dignity and intermediary institutions, indigenous knowledge, resilience, identity, and transformation of social capital were obtained.

**Conclusion:** Social capital, as one of the key components of sustainable development, plays a fundamental role in improving the quality of governance and the success of public policies.

**Please cite this article as (APA):** Banaei Esmaili, A. R., Mohammadi, M. & Soltani, M. R. (2026). Designing a good and sustainable governance model based on social capital in Tehran Municipality. (e252682). *Approaches in sociology and development*, *2*(2), 44-67.

https://doi.org/10.22034/jasd.2026.601204.1036

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

**Publisher:** Raz Nahan Publishing (RN.PUB)

**Corresponding Author:** Mohammad Mohammadi
**Email:** mo.mohammadi@iauctb.ac.ir

فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه

دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۴۴ تا ۶۷

https://www.jasd.ir

پژوهشی - آمیخته

eISSN: 3115-7955

# طراحی الگوی حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی در شهرداری تهران

**احمدرضا بنایی اسماعیلی[۱]، محمد محمدی[۲]، محمدرضا سلطانی[۳]**

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

۲. گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

**تاریخ دریافت:**
۱۵ خرداد ۱۴۰۵

**تاریخ بازنگری:**
۱۸ تیر ۱۴۰۵

**تاریخ پذیرش:**
۱۸ مرداد ۱۴۰۵

## چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل جامعه شناختی مسئولیت اجتماعی؛ راهبردها، پیامدها و پیشایندها زنان شاغل در اداره کل جهاد کشاورزی استان سمنان بود.

**روش:** جامعه پژوهش شامل ۲۰ نفر از مدیران و خبرگان حوزه جامعه شناختی مسئولیت اجتماعی زنان شاغل اعضاء هیأت علمی، مدیران و کارشناسان زن شاغل در اداره کل جهاد کشاورزی استان سمنان بود که براساس نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از تکنیک اشباع داده‌ها انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحلیل شبکهٔ مضامین نشان داد. ۸ مضمون فراگیر و ۲۸ مضمون سازمان دهنده و ۶۳ کد اولیه مسئولیت اجتماعی زنان شاغل (راهبردها، پیامدها و پیشایندها) هستند. مضامین (سازمان‌فراگیر) در قالب ۸ بعد ارائه شد که عبارت‌اند از: عوامل انسانی، عوامل سازمانی، راهبردهای فردی، راهبردهای مدیریتی، راهبردهای ارتباطات سازمانی، راهبردهای اقدامات سازمانی، پیشایندها، پیامدها.

**نتیجه‌گیری:** ادغام اجتماعی یکی از مهمترین برنامه‌هایی است که از طریق آن می‌توان به کنترل اوضاع، حمایت‌های عاطفی و ابزاری جوانان پسر بهبودیافته از اعتیاد و در نتیجه کاهش آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر پرداخت.

**کلید واژه‌ها:**
حکمرانی خوب، حکمرانی پایدار، سرمایه اجتماعی، شهرداری تهران.

**لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA):** بنایی اسماعیلی، احمدرضا، محمدی، محمد و سلطانی، محمدرضا. (۱۴۰۵). طراحی الگوی حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی در شهرداری تهران. *فصلنامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه*، ۲(۲)، ۴۴-۶۷.

https://doi.org/10.22034/jasd.2026.601204.1036

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

**ناشر:** انتشارات راز نهان

**ایمیل:** mo.mohammadi@iauctb.ac.ir

**نویسنده مسئول:** محمد محمدی

**مقدمه**

در چند دهۀ اخیر، موضوع سرمایۀ اجتماعی[1] یکی از مباحث اساسی مورد توجه مشاوران سازمانی و مجامع دانشگاهی جهان بوده است (مارتین و همکاران[2]، ۲۰۲۵: ۲۸). سرمایۀ اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی، قوانین عرفی، و تعهدات اخلاقی است که باعث آسان شدن روابط اجتماعی می‌شود. این موضوع معمولاً به افزایش مشارکت اجتماعی افراد و همچنین توسعه خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌انجامد و کمک می‌کند تا سرمایۀانسانی و سرمایۀ مادی بتوانند در هم کنش باهم به رشدی پویا برسند (فیشر و روبر[3]، ۲۰۲۵: ۷۹). مدیران سازمان‌های دولتی مدت‌هاست برای تقویت عملکرد سازمان‌های تحت مدیریت خود از توجه به سرمایۀ اجتماعی، که ناملموس است، غافل مانده‌اند (وظیفه و همکاران، ۱۴۰۵: ۵۹). امروزه، به نظر اکثر صاحب نظران این حوزه، سرمایۀ نسبت به سرمایه‌های دیگر نقش مهم‌تری در موفقیت یک سازمان و تدوین حکمرانی خوب و پایدار برای پیشبرد اهداف مهم و ضروری آن سازمان دارد و مدیران سازمانی با بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند به اجراء صحیح و کاربردی حکمرانی‌های مورد نیاز سازمان پرداخته و از این طریق برنامه های خود را برای پیشرفت و توسعه، اجرایی و عملیاتی نمایند (فتحی چگنی، ۱۴۰۵: ۱۵۳). بسیاری از جامعه شناسان، ازجمله شری ارنشتاین، دیوید و دریکسل[4]، برآن‌اند که بهترین و مهم‌ترین راهکار کسب توفیق در طرح های توسعه تمرکززدایی از مدیریت و پایه گذاری طرح‌ها بر مبنای مشارکت و جلب اعتماد مردم و به طورکلی گسترش سرمایۀ اجتماعی و مؤلفه‌های آن در سازمان است (رحمان و همکاران[5]، ۲۰۲۵: ۲۴۴). در حال حاضر سرمایۀ اجتماعی به عنوان راهبردی پایدار برای تأمین و نگهداری مزیت‌رقابتی سازمان‌ها شناسایی شده است. بنابراین در جهان دانش‌محور امروزی مدیران باید قابلیت‌های سازمانی را بر اساس سرمایۀ اجتماعی برنامه‌ریزی کنند تا از این طریق بتوانند به تدوین حکمرانی و سیاست گذاری‌های متناسب با توسعه سازمان خود دست یابند (بالاها[6]، ۲۰۲۴: ۵۹). همان طور که فوکویاما[7] می‌گوید، نبود اجماع در مورد مفهوم سرمایۀ اجتماعی یکی از ضعف‌های شاخص آن است و توجه به سرمایۀ اجتماعی می‌تواند پشتیبان برنامۀ توسعه، رشد و ایجاد فرصت‌های تعالی سازمانی شود (شریعت نژاد و همکاران، ۱۴۰۵: ۹۳). همچنین سرمایۀ اجتماعی، با افزایش پیشرفت شغلی، تأثیر مثبتی بر موفقیت افراد در کار دارد و اگر سازمان‌های بخش دولتی سرمایۀ اجتماعی را در خود ایجاد و تقویت کنند، می‌توانند نتایج مطلوب‌تری را به جامعه ارزانی دارند که این عملکرد مطلوب‌تر در نهایت منجر به جوّ اعتماد و اطمینان عمومی بین شهروندان و سازمان‌های بخش دولتی خواهد شد (محمدیان و رزم جوئی، ۱۴۰۵: ۱۳۹). سرمایۀ اجتماعی به طور مستقیم بر مشارکت‌سازمانی و سرمایۀ انسانی

1- Social capital
2- Martin et al.
3- Fischer & Reuber
4- Ernstin , David & Drexel
5- Rahman et al.
6- Bláha
7- Fukuyama

مؤثر است؛ به این شکل که با افزایش سرمایهٔ اجتماعی سرمایهٔ انسانی و مشارکت سازمانی افزایش می‌یابند، اما کاهش سرمایهٔ اجتماعی به افزایش جرایم اجتماعی، عدم اعتماد، تنش‌ها، آسیب‌ها، قانون شکنی‌ها، ناامیدی‌ها، و بسیاری دیگر از خشونت‌ها منجر می‌شود (دو و همکاران[1]، ۲۰۲۶: ۳۲۵). متأسفانه امروزه در جامعهٔ ما سرمایهٔ اجتماعی افراد روزبه روز ضعیف‌تر می‌شود که نتیجهٔ کاهش اعتماد اجتماعی افراد است (رضایی و خنیفر، ۱۴۰۵: ۴۱). اهمیت سرمایهٔ اجتماعی در کشور ما وقتی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم در تدوین سند چشم انداز بیست سالهٔ نظام توجهی ویژه به آن شده است؛ طوری که یکی از مؤلفه‌های مهم در سند چشم انداز مؤلفهٔ سرمایهٔ اجتماعی است (اخوان کاظمی و لطفی، ۱۴۰۵: ۸۵). در دو بخش از این سند به پیوستگی «مردم و حکومت» و «سرمایهٔ اجتماعی» اشاره شده است. علاوه بر توجه به سند چشم انداز باید به این نکته توجه کرد که جمهوری اسلامی ایران امروزه در عرصهٔ اقتصادی با مشکلاتی روبه روست که تا کنون موقعیت مشابه آن را نداشته است. بنابراین نیاز به رویکرد متناسب با این شرایط ویژه وجود دارد که یکی از این الگوها مفهوم حکمرانی خوب و پایدار است (جلالوند و همکاران، ۱۴۰۵: ۳). پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اینکه منافع قدرت‌های بزرگ به چالش کشیده شد کشور در ابعاد مختلف سیاسی امنیتی اقتصادی و ... با انواع تهدیدها و تحریم ها مواجه شد و امنیت ملی و تمامیت ارضی آن به طور جدی و همه جانبه مورد هجمه قرار گرفت در این میان سرمایه اجتماعی توانست بسیاری از این تهدیدها را خنثی کند و امنیت و توسعه را به کشور بازگرداند. همچنین امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها تأمین امنیت ملی و رسیدن به حکمرانی خوب و پایدار با تأکید بر حفظ سرمایه اجتماعی است (زارع شاه‌آبادی و فخارزاده، ۱۴۰۵: ۱۲۹). سرمایه اجتماعی در رشد منافع ملی نقشی تعیین کننده ایفا می‌کند. اما واقعیت این است که این موضوع در بسیاری از سطوح دولتی کشور ایران با وجود اهمیت بالایی که دارد، مغفول مانده و کمتر بدان توجه شده است. جامعه ایران از جمله جوامعی است که دارای بنیان های متعدد و ظرفیت های مختلفی در حوزه سرمایه اجتماعی می باشد. چگونگی روابط بین افراد جوامع انسانی، سازمان‌ها و نهادها، همواره موضوع مهم و ارزشمندی برای پژوهشگران اجتماعی بوده است (مختاری و همکاران، ۱۴۰۵: ۳۸۶). سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از عوامل زیر ساختی در انسجام اجتماعی، شکل‌گیری مشروعیت و کارآمدی نظام‌های سیاسی و کاهش دهندهٔ هزینه‌های اجرای تصمیمات حاکمیتی همواره مورد توجه اندیشه ورزان علم سیاست بوده و نحوه ایجاد، تثبیت و گسترش آن از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران آینده‌نگر به حساب می آید (نگوین تی و وو دین[2]، ۲۰۲۵: ۷). امروزه این مفهوم با پیچیده تر شدن روابط میان شهروندان از یکسو و شهروندان و دولت از سوی دیگر در جامعه شناسی سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (رفتاری و همکاران، ۱۴۰۵: ۵۳). ارتقای سرمایه اجتماعی و تلاش در راستای حفظ آن از جمله اهدافی است که در تمامی کشورها مطرح بوده و دولت ها بیشترین توان خود را برای تحقق آن به کار می برند. برخلاف کشورهای توسعه یافته، سرمایه انسانی و بویژه سرمایه اجتماعی در کشورهای جهان سوم هنوز مورد توجه جدی قرار

1- Do et al.
2- Nguyen Thi & Vu Dinh

نگرفته است (راچمانیا و لیانا[1]، ۲۰۲۶: ۷۹). این مفهوم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران مبهم باقی مانده است. شرط لازم برای پیشرفت جامعه، توسعه همه جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام و همبستگی اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل (فرد- جامعه- دولت)، سرمایه اجتماعی است که متاسفانه در کشورهای جهان سوم کمتر به این مقوله توجه می شود (زنگباری و همکاران، ۱۴۰۵: ۷۴). این در حالی است که افول بیش ازحد سرمایه اجتماعی در هر جامعه به طور حتم جامعه را با مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روبرو می سازد که نهایت آن فروپاشی اجتماعی است. آن دسته از نظام‌های سیاسی که می‌توانند سرمایهٔ اجتماعی را در درون ساختار اجتماعی جوامع خویش ایجاد و گسترش دهند از قابلیت ها و توانمندی آن نیز براحتی می توانند استفاده نمایند (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۵: ۸۴۹). در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی نتایج مطالعات داخلی حاکی از آن است که در جامعه ایران، سرمایه اجتماعی در دو دهه اخیر بنا به دلایلی رو به کاهش بوده و این موضوع می‌تواند در ارتباط با فرآیند توسعه و انسجام اجتماعی پیامدهای منفی و جبران ناپذیری داشته باشد. لذا با یک رویکرد سیستمی، همه افراد و شهروندان و گروه‌های اجتماعی برای التیام بخشیدن به انسجام و تقویت سرمایه اجتماعی و اعتمادسازی بین حکومت و جامعه و بین گروه‌ها با یکدیگر و بین افراد با یکدیگر، تلاش جدی داشته باشند و هم‌افزایی کنند باشد (اقبالی و همکاران، ۱۴۰۵: ۱۵۲). بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت که پایین بودن سرمایه‌اجتماعی و عدم تحقق حکمرانی خوب و پایدار از جمله مسائل اصلی جامعه ایران است که باید به شکل جدی، کارشناسانه و عملیاتی به این مهم پرداخته شود (رسولی و همکاران، ۱۴۰۵: ۴۳۰). به علاوه، مردم ایران با توجه به گستردگی ارتباطاتشان در عصر حاضر و دسترسی آنها به وسایل ارتباطی از سطح پایینی از سرمایه اجتماعی برخوردارند؛ که تحقیقات انجام شده بیانگر پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با میانگین ۵۸/۴۳ (از ۱۰۰) می‌باشد (کیانوش و همکاران، ۱۴۰۵: ۲۸۵). با نگاهی به تحقیقات انجام شده با محوریت حکمرانی خوب و پایدار [2] نیز می‌توان گفت که حکمرانی خوب و پایدار در ایران محقق نشده است و محقق شدن آن نیازمند مولفه‌های بسیاری است که یکی از مهمترین آنها بالا بردن سرمایه اجتماعی و تدوین حکمرانی خوب و پایدار برای پیشرفت می‌باشد (منتی و عشایری، ۱۴۰۵: ۱۲۹). همچنین به رغم همه پژوهش‌های صورت گرفته با رویکردهای مختلف تاکنون پژوهش مستقلی که بتواند همه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر خط مشی‌گذاری عمومی با تأثیر بر سرمایه اجتماعی ملی را مورد بررسی و مداقه قرار دهد انجام نشده و خلأ پژوهشی در این موضوع باعث بی توجهی و گاه کم توجهی به مقوله تأثیر گذار سرمایه اجتماعی شده است. همچنین از آنجا که همه کشورها و از جمله جمهوری اسلامی ایران در تلاش هستند تا با گرایش‌های قومی و فرهنگی مختلف و با شکل گیری نوعی هویت ملی به تقویت امنیت ملی نائل شوند دست یابی به الگوی‌های مطلوب حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی ضرورت دارد (قجاوند و همکاران، ۱۴۰۵: ۴۲). بر این اساس لازم است تحقیقاتی دربارهٔ موضوع حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر

1- Rachmania & Liana
2- Good and sustainable governance

سرمایه اجتماعی و تعیین شاخص‌های تشکیل دهندهٔ آن در سازمان دولتی و بالاخص شهرداری تهران به عنوان یک نهاد عمومی خدمت‌رسان به مردم انجام شود تا از این طریق مشخص شود الگوی مناسب حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی در شهرداری تهران چیست و تا چه اندازه الگوی طراحی شده می‌تواند جهت پیشرفت اهداف سازمانی و در نتیجه خدمت‌رسانی صادقانه به مردم مناسب باشد. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به بهبود اقدامات مدیران شهرداری تهران کمک کند تا به رهنمودهایی عملی برای بهبود نتایج و عملکرد کارمندان این سازمان، و در نتیجه تدوین حکمرانی خوب برای ارتقای سرمایهٔ اجتماعی سازمانی منجر شود. از اینرو در این تحقیق محقق به دنبال پاسخ به این سوال است که الگوی حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی در شهرداری تهران کدام است؟

## مبانی نظری پژوهش

حکمرانی خوب نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد. بانک جهانی پس از آنکه در اجرای سیاست های تعدیل یا همان اجماع واشنگتنی در برخی کشورها ناموفق بود، به این نتیجه رسید که چون دولت ها در آن کشورها واجد شرایط لازم نیستند نمی‌توانند در اجرای توصیه های این بانک و آزادکردن قیمت ها موفق عمل کنند. این نخستین مرحله شکل‌گیری و پیدایی اندیشه (حکمرانی خوب) است. باید خاطرنشان کرد که پارادایم حکمرانی خوب به پارادایم غالب در اندیشه توسعه تبدیل شده است (محمدیان و رزم جوئی، ۱۴۰۵: ۸۵۱).

بر طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)؛ بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. به‌طورکلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند (گو[1]، ۲۰۲۵: ۵۹).

اگرچه در برخی از متون، حکمرانی خوب به معنی دولت خوب نیز تعریف شده‌است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهیم می‌باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است. کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام[2] اصول مهم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر در

1- Guo
2- ESCAP

تقویت این اصول را تبیین نموده‌است؛ حکومت‌ها با احترام نهادن به این اصول و اجرایی نمودن آنها، می‌توانند گام‌های مؤثری در روند توسعه پایدار بردارند (شهارالدین و همکاران[1]، ۲۰۲۴: ۸۴۴).

سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی ندارد. برخی منابع معتقدند واژه سرمایه اجتماعی با مفهومی متفاوت در سال ۱۸۹۰ توسط آلفرد مارشال [2] به کار برده شد. مفهوم جدید سرمایه اجتماعی اولین‌بار در سال ۱۹۱۹ در مقاله‌ای توسط شخصی به نام هانیفن [3] که در آموزش و پرورش ایالت ویرجینیای آمریکا خدمت می‌کرد به کار گرفته شد. او در بحث از مراکز اجتماعات مدارس روستایی، بر اهمیت احیای مشارکت‌های اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه تأکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را وضع نمود. هنیفن هر دو وجه منافع خصوصی و عمومی سرمایه اجتماعی را برجسته کرد اما به رغم این نوآوری مفهومی توجه برانگیز را برنیانگیخت و بدون هیچ اثری ناپدید شد. پس از آن مفهوم سرمایه اجتماعی چندین بار به طور مستقل بازآفرینی شد (آزادمنش، ۱۴۰۵: ۱۱۴۹). این مفهوم به طور مستقل در دهه ۱۹۵۰ توسط سیلی و همکاران[4] برای تحلیل عضویت حومه‌نشینان شهری در کلوپ‌ها، در دهه ۱۹۶۰ توسط جاکوب[5] که برنامه‌ریز شهری بود برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهای غیررسمی همسایگی در کلان شهرهای جدید، و در دهه ۱۹۷۰ توسط لوری[6] اقتصاددان، برای تحلیل میراث اجتماعی برده‌داری به کار گرفته شد (فتحی‌چگنی، ۱۴۰۵: ۶۲). مفهوم سرمایه اجتماعی در دهه ۱۹۸۰ به شدت مورد توجه قرار گرفت تا جایی که توانست جایگاه تعریف شده‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص دهد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در تزها و مقالات دانشگاهی به کار رفت. به ویژه در رشته‌های جامعه شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش با کارهای افرادی چون کلمن، پاتنام، فوکویاما و بوردیو [7] افزایش یافت برخلاف مفهوم سرمایه اجتماعی، که به تازگی وارد ادبیات علوم اجتماعی شده است، مؤلفه‌های سه‌گانه آن، یعنی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت‌کننده دیگری‌اند، از جمله مفاهیمی هستند که از آغاز طرح مباحث جامعه شناختی، اندیشه بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک را به خود معطوف داشته‌اند (بن هادور و هاپکینز[8]، ۲۰۲۵: ۷). بارت[9] (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را یک شبکه ساختارگونه تعریف می‌کند که متأثر از اندازه شبکه، تراکم و سلسله‌مراتب شبکه است و هرچه اندازه شبکه وسیع‌تر و تراکم سلسله‌مراتب موجود در آن کمتر باشد، میزان سرمایه اجتماعی روبه افزایش است. بارت بر الگوی پیوندها و ارتباطات در میان اعضای شبکه، برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند (گارسیا و

1 - Shaharuddin et al.
2 - Alfred Marshall
3 - Hanifen
4 - Siely et al.
5 - Jacob
6 - Loree
7 - Coleman, Putnam, Fukuyama, and Bourdieu
8 - Ben-Hador & Hopkins
9 - Bartt

همکاران[1]، ۲۰۲۳: ۱۷۹). فوکویاما (۱۳۷۹) سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم‌اند. به اعتقاد او هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند. پانتام (۲۰۰۰) معتقد است سرمایه اجتماعی به خصوصیاتی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها و هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی عبارت است تأثیر اقتصادی حاصل از تسهیلاتی که شبکه‌های اعتماد و مؤلفه‌های فرهنگی در یک سیستم اجتماعی به وجود می‌آورد. شبکه‌های اعتماد علاوه بر کاهش هزینه‌های مدیریتی موجب می‌شود زمان و سرمایه بیشتری به فعالیت‌های اصلی اختصاص پیدا کند و جریان مناسبی از یادگیری و دانش را در بین آنها فراهم می‌کند. این امر نیز می‌تواند در کاهش هزینه‌های مدیریتی و توسعه اجتماعی بسیار مؤثر باشد (کاپانو و لپوری[2]، ۲۰۲۴: ۵۹).

## پیشینه پژوهش

- بهادر (۱۴۰۳) تحقیقی تحت عنوان سرمایه اجتماعی و حکمرانی: نقش اعتماد در سیاست گذاری های عمومی انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد اعتماد عمومی می تواند زمینه‌ساز حکمرانی خوب و پایدار باشد، درحالی که نبود آن پیامدهایی چون فساد، بی ثباتی و کاهش مشارکت عمومی را به همراه دارد.

- رئوفی و همکاران (۱۴۰۴) تحقیقی تحت عنوان حکمرانی خوب: چالش‌ها و فرصت‌های بافتار بومی ایران در نیل به توسعه پایدار سلامت انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد طبق تعریف بانک جهانی، حکمرانی شامل «سنت‌ها و نهادهایی» است که اقتدار در یک کشور، توسط آنها برپا می‌شود. مشارکت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، عدالت و برابری، شفافیت، کنترل فساد و اثربخشی و کارایی از جمله مؤلفه‌های تکرارشونده حکمرانی در الگوهای مختلف هستند. تاکنون چارچوب‌ها، مدل‌ها و مؤلفه‌های متعددی برای حکمرانی ارائه شده است. برای مطالعات حوزه نظام سلامت الگوی پنج مولفه‌ای حکمرانی که اولین بار در سال ۲۰۱۸ معرفی شد و صرفا برای بررسی وضعیت حکمرانی سلامت در کشورهای با درآمد کم و متوسط پیش‌بینی شده است، از پرکاربردترین الگوها است. همچنین، روند رو به بهبود در شاخص‌هایی نظیر نرخ مرگ و میر نوزادان، نرخ مرگ و میر کودکان زیر یک سال، نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال، نرخ مرگ و میر مادران و نیز شاخص‌های توسعه انسانی نشان‌دهنده فرصت‌هایی برای حکمرانی خوب در ایران هستند. روند افزایشی مرگ و میر ناشی از تصادفات، بدتر شدن کیفیت هوا، آلودگی و فرسایش خاک، بیکاری و تورم حکمرانی خوب در کشور را با چالش هایی مواجه می کند. همچنین، نبود نظام نظارت و پایش کارآمد، کمبود شفافیت و پاسخ‌گویی، مشارکت ناکافی ذی‌نفعان مرتبط، مدیریت ضعیف تعارض منافع و فساد، هماهنگی و همکاری ضعیف

1- Garcia et al.
2- Capano & Lepori

بین و درون بخشی، عدم استفاده از داده‌های علمی و شواهد محکم در سیاست‌گذاری‌ها و کمبود فرهنگ و ارزش‌های حکمرانی خوب از جمله عواملی هستند که ترویج و استقرار معنادار حکمرانی خوب در نظام سلامت ایران را با چالش مواجه ساخته‌اند.

- منتی و عشایری (۱۴۰۵) تحقیقی تحت عنوان فرآیند توسعه سیاسی ایران با تأکید بر شاخص سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی: فراتحلیلی بر تحقیقات (۱۴۰۳-۱۳۸۴) انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد سرمایه اجتماعی با ضریب اثر ۰.۵۶۳ قوی‌ترین رابطه مثبت و معنی‌دار را با توسعه سیاسی دارد. در بین مؤلفه‌های آن، اعتماد اجتماعی (۰.۶۲۱) بیشترین تأثیر را نشان داد. سرمایه فرهنگی با ضریب اثر ۰.۴۷۲ رابطه مثبت و معنی‌داری داشت که در آن سواد رسانه‌ای (۰.۴۱۰) و تعلق مذهبی (۰.۳۳۵) نقش برجسته‌ای در فرآیند توسعه سیاسی ایران عمل نموده است. در مقابل، سرمایه اقتصادی با ضریب اثر ۰.۲۸۰ ضعیف‌ترین، اما همچنان معنی‌دارترین ارتباط را با توسعه سیاسی نشان داده و مؤلفه مشارکت اقتصادی (۰.۳۱۶) بیشترین سهم را در این زمینه دارد.

- رسولی و همکاران (۱۴۰۵) تحقیقی تحت عنوان ارائه و تحلیل الگوی آسیب شناسی سرمایه اجتماعی در سازمان انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد الگوی آسیب‌شناسی سرمایه اجتماعی در سازمان از ۶ دسته شرایط علّی ۳ مقوله، عوامل زمینه‌ای ۴ مقوله، پدیده اصلی ۶ مقوله، عوامل مداخله‌گر ۳ مقوله، عوامل راهبردی ۱۰ مقوله و پیامدها ۸ مقوله شناسایی شدند که نتایج تحلیل عاملی تاییدی آن‌ها نشان می‌دهد بارهای عاملی همه گویه ها بالاتر از ۰/۴ هستند و از مدل حذف نشده اند، لذا شاخص های مورد نظر سنجه های خوبی برای عوامل شناسایی شده هستند. همچنین براساس نتایج معادلات ساختاری، سطح معنی داری مسیر شاخص‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا رابطه بین متغیرها معنی دار است و ضریب مسیر نشان داد که رابطه ی مثبتی همه متغیرها وجود دارد.

- فتحی چگنی (۱۴۰۵) تحقیقی تحت عنوان ارائهٔ الگوی مطلوب حکمرانی فرهنگی در دانشگاه: کاربرد نظریهٔ داده‌بنیاد انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد تحلیل داده‌ها در سه مرحلهٔ کدگذاری باز و محوری و انتخابی انجام پذیرفت که منجر به شناسایی ۱۵۵ کد باز، ۷۶ کد محوری، و ۲۹ کد انتخابی شد. این کدها در شش طبقهٔ اصلی شامل شرایط علّی (مانند ضعف هویت فرهنگی و تأثیر جهانی‌سازی)، پدیدهٔ مرکزی (تعادل سیاست‌های کلان و محلی)، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها (مانند تدوین چارچوب‌های اخلاقی و استفاده از فناوری)، و پیامدها (مانند تقویت هویت ملی و کاهش تعارضات فرهنگی) دسته‌بندی شدند. این الگو می‌تواند به ارتقای کیفیت فرهنگی و علمی دانشگاه‌ها و تقویت هویت ملی-اسلامی کمک کند.

- آکرمن و همکاران[1] (۲۰۱۷) تحقیقی را تحت عنوان توسعه یافتگی الگوها و چارچوب در خط مشی سازمانی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد عدم تعریف دقیق از اهداف سیاسی و مبهم، فقدان فناوری مناسب برای اجرا، عدم تعهد

1- Akreman et al.

به خط‌مشی، عدم تعریف دقیق مسئولیت‌ها و هماهنگی‌ها، گرایش به فساد مقامات دولتی در طول اجرای خط‌مشی‌ها با شکست مواجه می‌شود.

- اریکسون و همکاران[1] (۲۰۲۱) تحقیقی را تحت عنوان بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اجتماعی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد سرمایه اجتماعی در ۹ محله افزایش و در ۱۵ محله کاهش یافت. سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی با عوامل اجتماعی- جمعیتی خاص مرتبط بود، اما این عوامل در مناطق شهری و روستایی متفاوت بودند. محله‌های شهری با نسبت بالاتر مستمری‌بگیران مسن‌تر (OR = 1.49، CI: 1.16-1.92)، کودکان زیر ۱۲ سال (OR = 2.13، CI: 1.31-3.47) یا نسبت پایین‌تر اعضای متولد خارج از کشور (OR = 0.32، CI: 0.19-0.55) شانس بیشتری برای سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی داشتند. در محله‌های روستایی، نسبت بالاتر خانوارهای تک‌سرپرست با سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی مرتبط بود (OR = 1.44، 95% CI = 1.04-1.98). عوامل اجتماعی-اقتصادی محله مانند درآمد یا سطح تحصیلات بر سرمایه اجتماعی محله تأثیری نداشت. این مطالعه با استفاده از معیارهای مکرر سرمایه اجتماعی، بینش‌هایی در مورد چگونگی تغییر سرمایه اجتماعی در طول زمان در مناطق محلی و عوامل مؤثر بر توسعه آن ارائه می‌دهد. سیاست‌های محلی برای ارتقای سرمایه اجتماعی برای توسعه اجتماعی پایدار باید تلاش کنند تا گروه‌های جمعیتی متنوع را در محله‌ها ادغام کنند و فرصت‌های تعاملات بین قومی را افزایش دهند.

- فریمن و همکاران[2] (۲۰۲۳) تحقیقی را تحت عنوان بررسی سرمایه اجتماعی و نقش دولت: پرورش مشارکت‌های مردمی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد ایجاد سرمایه اجتماعی و شبکه‌هایی که یک هویت اقتصادی مشترک جدید را پرورش، توانمندسازی و به طور مداوم تقویت می‌کنند، می‌تواند سود اقتصادی- اجتماعی غنی‌ای را فراهم کند. برای کشورهایی که با فقر شدید در مقیاس وسیع مقابله می‌کنند، ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی، سرمایه گذاری‌های ضروری در کالاهای عمومی است.

- آری و همکاران[3] (۲۰۲۴) تحقیقی را تحت عنوان بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد اعتماد بین فردی تأثیر مفیدی بر سرمایه اجتماعی رابطه‌ای دارد و آیا وجود اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی تأثیر مفیدی بر عمل متقابل جامعه دارد یا خیر. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در پیشبرد توسعه ملی محوری است.

- داسا و همکاران[4] (۲۰۲۵) تحقیقی را تحت عنوان مدل های خط مشی گذاری عمومی انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد مدل های خط مشی‌گذاری است؛ چون مدل‌های گوناگونی در این رابطه مطرح گردیده‌اند، پس باید دانست که کدام یک از آن ها و در چه بخشی بهتر و کاربردی‌تر است.

1- Ericsson et al.
2- Freeman et al.
3- Arie et al.
4- Dasa et al.

## روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و مبتنی بر مطالعات کیفی، استراتژی مورد نظر اکتشافی، و روش مورد نظر تحلیل مضمون می باشد. جامعه پژوهش شامل ۱۵ نفر از مدیران و خبرگان حوزه حکمرانی خوب و پایدار و سرمایه اجتماعی، اعضا هیأت علمی، مدیران و کارشناسان مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران بودند. در پژوهش حاضر با توجه به اهداف مورد نظر از مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته و بررسی متون برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. برای ثبت مصاحبه‌ها از نکته برداری به صورت همزمان استفاده شده و سعی بر این بود که بلافاصله بعد از اتمام هر مصاحبه ثبت آنها انجام و برای اطمینان از صحت انتقال اطلاعات، با مرور چند باره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های طرح شده مصاحبه شوندگان انجام شود. همچنین از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند برای انتخاب متون مرتبط و همچنین مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تأمین روایی و پایایی از روش گوبا و لینکلن[1] (۱۹۸۰) استفاده شد. آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اتکا و قابلیت تأیید» را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش مدنظر قرار داده‌اند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۶). در زمینه قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضاء استفاده شد. در زمینه قابلیت انتقال، یافته‌ها در اختیار متخصصین قرار داده شد. در زمینه قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان،) از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد و در زمینه قابلیت تأیید، از مرور و بازخورد همتایان بهره گرفته شد. برای اطمینان از نحوه کدگذاری‌ها از چهار نفر ارزشیاب جهت کدگذاری مجدد یافته‌ها استفاده شد که به منظور تایید از روش اسکات (۲۰۱۲ ) استفاده شد که در این پژوهش میزان توافق بین ارزشیابان عدد ۸۵/۶۱ بدست آمد که نشان دهنده ۸۵ درصد توافق بین ارزشیابان در کدگذاری‌ها بود. داده‌های حاصل از تحقیق به‌وسیله نرم‌افزار NVIVO ویراست ۱۲ و نرم‌افزار Maxqda 2023 مورد تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌ها

در ابتدا جدول جمعیت شناختی مربوط به مشارکت‌کنندگان ارائه می‌گردد.

**جدول(۱): مشخصات مشارکت کنندگان در مصاحبه**

| ردیف | نوع جامعه آماری | جنسیت | سن (سال) | سابقه کاری (سال) | سطح تحصیلات | تخصص |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | عضو هیات علمی دانشگاه | مرد | ۵۴ | ۲۲ | دکتری | حکمرانی عمومی |
| ۲ | مدیران شهرداری تهران | مرد | ۴۷ | ۱۷ | کارشناسی ارشد | برنامه‌ریزی شهری |
| ۳ | خبرگان اندیشکده‌ای | زن | ۴۳ | ۱۴ | دکتری | حکمرانی و سرمایه اجتماعی |
| ۴ | عضو هیات علمی دانشگاه | مرد | ۵۱ | ۱۹ | دکتری | سرمایه اجتماعی و حکمرانی |

1- Guba & Lincoln

| ردیف | نوع جامعه آماری | جنسیت | سن (سال) | سابقه کاری (سال) | سطح تحصیلات | تخصص |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | مدیران شهرداری تهران | مرد | ۵۳ | ۲۱ | دکتری | مدیریت اجرایی و حکمرانی |
| ۶ | خبرگان اندیشکده‌ای | زن | ۴۶ | ۱۶ | دکتری | حکمرانی خوب |
| ۷ | عضو هیات علمی دانشگاه | مرد | ۴۹ | ۱۸ | دکتری | حکمرانی و مدیریت دولتی |
| ۸ | مدیران شهرداری تهران | زن | ۴۴ | ۱۵ | کارشناسی ارشد | برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی |
| ۹ | خبرگان اندیشکده‌ای | مرد | ۴۱ | ۱۳ | دکتری | منابع انسانی و سرمایه اجتماعی |
| ۱۰ | اساتید دانشگاه | مرد | ۵۷ | ۲۵ | دکتری | توسعه پایدار و سرمایه اجتماعی |
| ۱۱ | مدیران شهرداری تهران | مرد | ۵۲ | ۲۰ | دکتری | حکمرانی خوب عمومی |
| ۱۲ | خبرگان اندیشکده‌ای | زن | ۴۵ | ۱۵ | دکتری | حکمرانی پایدار |
| ۱۳ | عضو هیات علمی دانشگاه | مرد | ۴۸ | ۱۷ | دکتری | سرمایه اجتماعی ملی |
| ۱۴ | مدیران شهرداری تهران | زن | ۴۰ | ۱۲ | کارشناسی ارشد | برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی |
| ۱۵ | خبرگان اندیشکده‌ای | مرد | ۵۰ | ۱۸ | دکتری | علوم سیاسی و سرمایه اجتماعی |

در پاسخ به سؤال تحقیق ۲۲۵ کد اولیه، ۴۵ کد محوری، ۶ مضمون بدست آمد که در جدول زیر ارائه شده است:

**جدول شماره(۲): تحلیل مضامین اصلی به دست آمده از زیرمضامین پژوهش**

| ردیف | هدف پژوهش | مضامین اصلی (ابعاد) | زیرمضامین |
|---|---|---|---|
| ۱ | طراحی الگوی حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی در شهرداری تهران | اعتماد و مشروعیت در فرآیند حکمرانی خوب و پایدار | اعتماد نهادی شهروندان و پذیرش حکمرانی خوب و پایدار |
| ۲ | | | اعتماد عمومی و کاهش مقاومت در برابر سیاست‌های تحول‌آفرین |
| ۳ | | | شفافیت اطلاعات و بازسازی اعتماد عمومی به نظام سیاست‌گذاری |
| ۴ | | | کیفیت خدمات عمومی و بازتولید اعتماد شهروندان |
| ۵ | | | اعتماد متقابل دولت و ملت در مرحله مشروعیت‌بخشی حکمرانی خوب و پایدار |
| ۶ | | شبکه‌ها و جریان اطلاعات در سیاست‌گذاری | شبکه‌های محلی و انتقال مطالبات به فرآیند سیاست‌گذاری |
| ۷ | | | شبکه‌های دانشی نخبگان و غنی‌سازی محتوای حکمرانی خوب و پایدار |
| ۸ | | | سرمایه اجتماعی پیوندی و هماهنگی میان‌بخشی دستگاه‌ها |

| ردیف | هدف پژوهش | مضامین اصلی (ابعاد) | زیرمضامین |
|---|---|---|---|
| ۹ | | | جریان آزاد اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی و کیفیت تصمیم‌گیری |
| ۱۰ | | | شبکه‌های همیاری محلی و پشتیبانی از سیاست‌های اجتماع‌محور |
| ۱۱ | | مشارکت شهروندی و حکمرانی مشارکتی | مشارکت سازمان‌یافته شهروندان در مرحله دستورکارگذاری |
| ۱۲ | | | توانمندسازی زنان و ورود مؤثر آنان به چرخه حکمرانی خوب و پایدار |
| ۱۳ | | | نظارت مشارکتی شهروندان بر چرخه کامل حکمرانی خوب و پایدار |
| ۱۴ | | | آموزش شهروندی و ارتقای کیفیت مشارکت در سیاست‌گذاری |
| ۱۵ | | | حکمرانی مشارکتی و تبدیل شهروندان به شرکای سیاست‌گذاری |
| ۱۶ | | | آینده‌نگری نسل جوان در اولویت‌بندی مسائل سیاستی |
| ۱۷ | | | مسئولیت‌پذیری جمعی و نظارت مردمی بر اجرای سیاست‌ها |
| ۱۸ | | هنجارها، ارزش‌ها و اخلاق سیاست‌گذاری | هنجارهای همیاری و کاهش هزینه اجرای حکمرانی خوب و پایدار |
| ۱۹ | | | هنجارهای پاسخگویی و شفافیت فرآیند تدوین حکمرانی خوب و پایدار |
| ۲۰ | | | ارزش‌های اخلاقی پیشرفت و پالایش اهداف حکمرانی کلان |
| ۲۱ | | | اخلاق حرفه‌ای سیاست‌گذاران و سلامت فرآیند تدوین |
| ۲۲ | | | ارزش‌های معنوی و بازتعریف موفقیت در الگوی پیشرفت |
| ۲۳ | | | ارزش‌های انقلابی و چارچوب ایدئولوژیک سیاست‌گذاری |
| ۲۴ | | عدالت، کرامت انسانی و نهادهای میانجی | ارزش‌های اسلامی عدالت و جهت‌دهی توزیعی به حکمرانی ها |
| ۲۵ | | | کرامت انسانی به‌مثابه معیار ارزیابی سیاست‌های عمومی |
| ۲۶ | | | عدالت بین‌نسلی و پایداری بلندمدت حکمرانی پیشرفت |
| ۲۷ | | | کاهش نابرابری ساختاری از مسیر حکمرانی‌های عدالت‌محور |
| ۲۸ | | | پیوند دولت و نهادهای مدنی در مشروعیت‌بخشی به حکمرانی خوب و پایدار |
| ۲۹ | | | نهادهای مدنی واسط و تسهیل گفت‌وگوی دولت-ملت |
| ۳۰ | | | سرمایه اجتماعی نهادی و کارآمدی بوروکراسی اجرایی |
| ۳۱ | | | نهادهای میانجی و تبدیل سرمایه اجتماعی به ظرفیت سیاستی |
| ۳۲ | | | سازوکارهای نهادی جذب و سازماندهی مشارکت مردمی |
| ۳۳ | | دانش بومی، تاب‌آوری، هویت و تبدیل سرمایه | دانش بومی و بومی‌سازی الگوهای وارداتی سیاست‌گذاری |
| ۳۴ | | | نوآوری اجتماعی و خلق راه‌حل‌های بومی برای مسائل عمومی |
| ۳۵ | | | آینده‌نگری راهبردی در تنظیم اهداف بلندمدت پیشرفت |

| ردیف | هدف پژوهش | مضامین اصلی (ابعاد) | زیرمضامین |
|---|---|---|---|
| ۳۶ | | اجتماعی | انسجام اجتماعی و کاهش شکاف‌های مؤثر بر اجرای حکمرانی خوب و پایدار |
| ۳۷ | | | همبستگی اجتماعی و تاب‌آوری سیاست‌ها در شرایط بحران |
| ۳۸ | | | سرمایه اجتماعی و تسهیل اجرای سیاست‌های پیچیده و چندبخشی |
| ۳۹ | | | هویت فرهنگی ملی و جهت‌گیری نرم سیاست‌های فرهنگی |
| ۴۰ | | | دیپلماسی مبتنی بر سرمایه اجتماعی و قدرت نرم ملی |
| ۴۱ | | | سیاست‌های فرهنگی مولد سرمایه اجتماعی پایدار |
| ۴۲ | | | ظرفیت‌های محلی و غیرمتمرکزسازی فرآیند تدوین سیاست |
| ۴۳ | | | همسویی خط‌مشی‌ها با اصول توسعه پایدار اسلامی |
| ۴۴ | | | تبدیل سرمایه اجتماعی به منابع مکمل اجرای حکمرانی خوب و پایدار |
| ۴۵ | | | طراحی نهادی برای تبدیل سرمایه اجتماعی به قدرت سیاست‌گذاری |

بعد «اعتماد و مشروعیت در فرآیند خط‌مشی‌گذاری» بر این اصل استوار است که پذیرش و اجرای موفق هر خط‌مشی عمومی، بیش از هر چیز به سطح اعتماد شهروندان به نهادهای سیاست‌گذار وابسته است. اعتماد نهادی، کاهش مقاومت در برابر تغییرات، شفافیت اطلاعات، کیفیت خدمات عمومی و اعتماد متقابل میان دولت و ملت، همگی حلقه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای هستند که مشروعیت فرآیند سیاست‌گذاری را شکل می‌دهند. بدون این بستر اعتماد، حتی دقیق‌ترین طراحی‌های خط‌مشی نیز با چالش پذیرش اجتماعی و اجرای مؤثر مواجه خواهند شد و سرمایه اجتماعی به‌جای تسهیل‌گری، به مانعی پنهان تبدیل می‌گردد.

بعد «شبکه‌ها و جریان اطلاعات در سیاست‌گذاری» ناظر بر نقش حیاتی پیوندهای اجتماعی و گردش اطلاعات در غنی‌سازی و کارآمدی فرآیند تدوین خط‌مشی است. شبکه‌های محلی، شبکه‌های دانشی نخبگان، سرمایه اجتماعی پیوندی میان دستگاه‌ها، جریان آزاد اطلاعات در فضای اجتماعی و شبکه‌های همیاری محلی، همگی کانال‌هایی هستند که مطالبات جامعه را به نظام تصمیم‌گیری منتقل می‌کنند، محتوای کارشناسی را غنی می‌سازند و هماهنگی میان‌بخشی را تسهیل می‌نمایند. این بعد نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری منزوی و بدون اتکا به شبکه‌های اجتماعی، از واقعیت‌های میدانی فاصله می‌گیرد و کیفیت تصمیمات را کاهش می‌دهد.

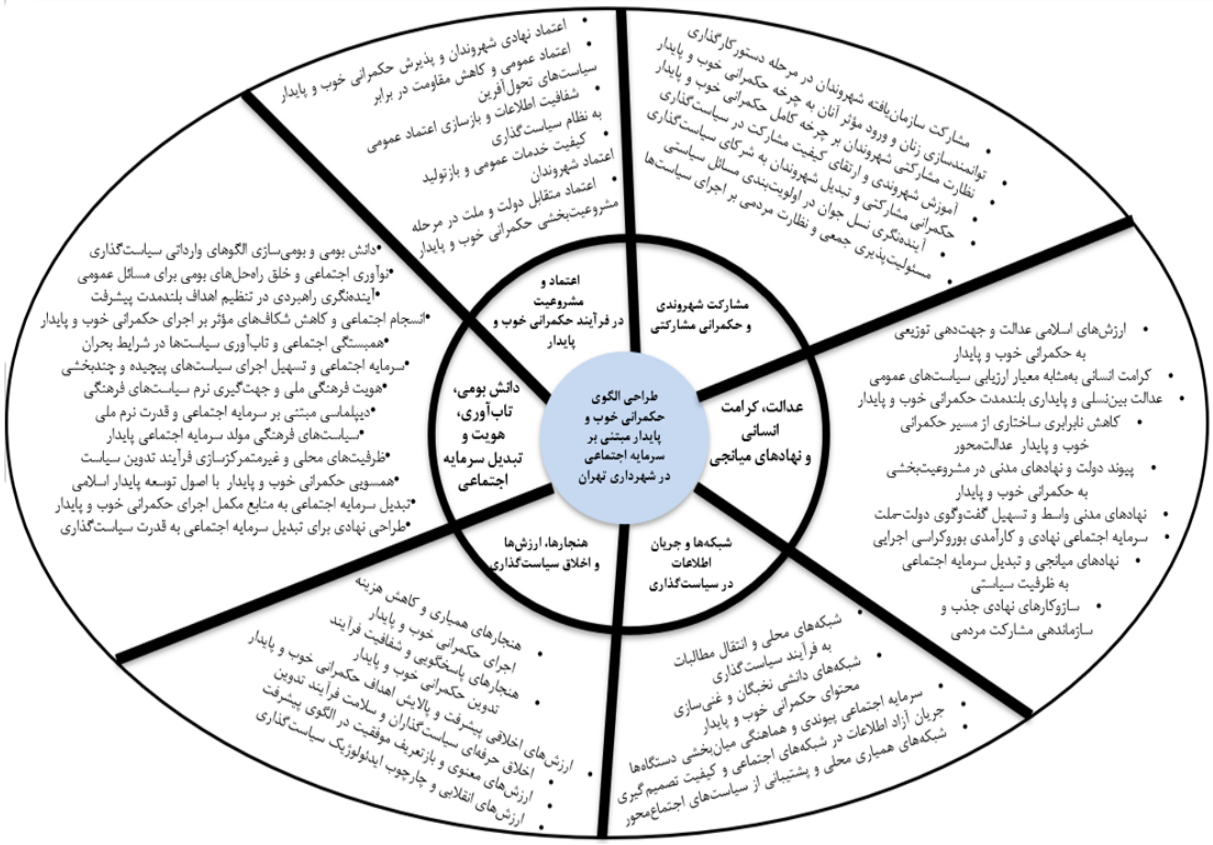
بعد «مشارکت شهروندی و حکمرانی مشارکتی» بر تبدیل شهروندان از مخاطبان منفعل به شرکای فعال فرآیند سیاست‌گذاری تأکید دارد. مشارکت سازمان‌یافته در مرحله دستورکارگذاری، توانمندسازی زنان، نظارت مشارکتی بر چرخه کامل خط‌مشی، آموزش شهروندی، آینده‌نگری نسل جوان و مسئولیت‌پذیری جمعی، همگی سازوکارهایی هستند که الگوی حکمرانی را از شکل بالا به‌پایین به الگوی مشارکتی تغییر می‌دهند. این بعد بیانگر آن است که سرمایه

اجتماعی ملی تنها زمانی به قدرت سیاست‌گذاری تبدیل می‌شود که شهروندان امکان حضور واقعی و اثرگذار در تصمیم‌گیری‌ها را داشته باشند.

بعد «هنجارها، ارزش‌ها و اخلاق سیاست‌گذاری» چارچوب هنجاری و ارزشی مدل را تشکیل می‌دهد و بر این نکته تأکید می‌کند که فرآیند تدوین خط‌مشی نمی‌تواند فارغ از ارزش‌ها و اصول اخلاقی پیش رود. هنجارهای همیاری و پاسخگویی، ارزش‌های اخلاقی و معنوی پیشرفت، اخلاق حرفه‌ای سیاست‌گذاران و ارزش‌های انقلابی، همگی جهت‌دهنده اهداف و معیارهای موفقیت خط‌مشی‌ها هستند. این بعد تضمین می‌کند که سیاست‌گذاری در راستای الگوی ایرانی–اسلامی پیشرفت، صرفاً فنی و ابزاری نباشد و همواره با مبانی ارزشی و اخلاقی جامعه همسو بماند.

بعد «عدالت،کرامت انسانی و نهادهای میانجی» بعد محتوایی و ساختاری مدل را نمایندگی می‌کند. ارزش‌های اسلامی عدالت، کرامت انسانی، عدالت بین‌نسلی، کاهش نابرابری‌های ساختاری، پیوند دولت با نهادهای مدنی، نقش نهادهای میانجی و سازوکارهای نهادی جذب مشارکت، همگی عناصری هستند که هم محتوای خط‌مشی‌ها را عدالت‌محور می‌سازند و هم ساختارهای لازم برای تبدیل سرمایه اجتماعی به ظرفیت سیاستی را فراهم می‌آورند. این بعد نشان می‌دهد که بدون نهادهای واسط کارآمد و جهت‌گیری عدالت‌طلبانه، سرمایه اجتماعی نمی‌تواند به قدرت واقعی سیاست‌گذاری تبدیل شود.

بعد «دانش بومی، تاب‌آوری، هویت و تبدیل سرمایه اجتماعی» بعد راهبردی و عملیاتی مدل را تکمیل می‌کند. بهره‌گیری از دانش بومی، نوآوری اجتماعی، آینده‌نگری راهبردی، انسجام و همبستگی اجتماعی، هویت فرهنگی ملی، قدرت نرم، ظرفیت‌های محلی، همسویی با اصول توسعه پایدار اسلامی و طراحی نهادی برای تبدیل سرمایه اجتماعی به منابع و قدرت سیاست‌گذاری، همگی سازوکارهایی هستند که سرمایه اجتماعی را از یک منبع بالقوه به ظرفیت واقعی و پایدار سیاست‌گذاری تبدیل می‌کنند. این بعد بیانگر آن است که مدل نهایی تنها زمانی کامل می‌شود که سرمایه اجتماعی ملی هم در لایه معرفتی و هویتی بازتولید گردد و هم از طریق سازوکارهای نهادی به قدرت مؤثر در چرخه خط‌مشی‌گذاری بدل شود.




**شکل (۱): مدل نهایی خروجی کیفی برگرفته از نتایج پژوهش**

## بحث و نتیجه گیری

با توجه به بررسی مصاحبه‌ها، در نهایت مفاهیم استخراج‌شده شامل ۲۲۵ کد باز، ۴۵ کد محوری و ۶ مضمون اصلی می‌باشد که تشکیل‌دهنده مدل تدوین خط مشی گذاری عمومی برپایه سرمایه اجتماعی ملی در راستای الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت هستند. مضمون اصلی اعتماد و مشروعیت در فرآیند خط‌مشی‌گذاری، که شامل زیر مضامین اعتماد نهادی شهروندان و پذیرش خط‌مشی‌های عمومی، اعتماد عمومی و کاهش مقاومت در برابر سیاست‌های تحول‌آفرین، شفافیت اطلاعات و بازسازی اعتماد عمومی به نظام سیاست‌گذاری، کیفیت خدمات عمومی و بازتولید اعتماد شهروندان، اعتماد متقابل دولت و ملت در مرحله مشروعیت‌بخشی خط‌مشی می‌باشد.

مضمون اصلی شبکه‌ها و جریان اطلاعات در سیاست‌گذاری که شامل زیر مضامین شبکه‌های محلی و انتقال مطالبات به فرآیند سیاست‌گذاری، شبکه‌های دانشی نخبگان و غنی‌سازی محتوای خط‌مشی، سرمایه اجتماعی پیوندی و هماهنگی میان‌بخشی دستگاه‌ها، جریان آزاد اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی و کیفیت تصمیم‌گیری، شبکه‌های همیاری محلی و پشتیبانی از سیاست‌های اجتماع‌محور می باشد.

مضمون اصلی مشارکت شهروندی و حکمرانی مشارکتی که شامل زیر مضامین مشارکت سازمان‌یافته شهروندان در مرحله دستورکارگذاری، توانمندسازی زنان و ورود مؤثر آنان به چرخه خط‌مشی‌گذاری، نظارت مشارکتی شهروندان بر

چرخه کامل خط‌مشی، آموزش شهروندی و ارتقای کیفیت مشارکت در سیاست‌گذاری، حکمرانی مشارکتی و تبدیل شهروندان به شرکای سیاست‌گذاری، آینده‌نگری نسل جوان در اولویت‌بندی مسائل سیاستی، مسئولیت‌پذیری جمعی و نظارت مردمی بر اجرای سیاست‌ها می باشد.

مضمون اصلی هنجارها، ارزش‌ها و اخلاق سیاست‌گذاری که شامل زیر مضامین هنجارهای همیاری و کاهش هزینه اجرای خط‌مشی، هنجارهای پاسخگویی و شفافیت فرآیند تدوین خط‌مشی، ارزش‌های اخلاقی پیشرفت و پالایش اهداف خط‌مشی‌های کلان، اخلاق حرفه‌ای سیاست‌گذاران و سلامت فرآیند تدوین، ارزش‌های معنوی و بازتعریف موفقیت در الگوی پیشرفت، ارزش‌های انقلابی و چارچوب ایدئولوژیک سیاست‌گذاری می باشد.

مضمون اصلی عدالت، کرامت انسانی و نهادهای میانجی که شامل زیر مضامین ارزش‌های اسلامی عدالت و جهت‌دهی توزیعی به خط‌مشی‌ها، کرامت انسانی به‌مثابه معیار ارزیابی سیاست‌های عمومی، عدالت بین‌نسلی و پایداری بلندمدت خط‌مشی‌های پیشرفت، کاهش نابرابری ساختاری از مسیر خط‌مشی‌های عدالت‌محور، پیوند دولت و نهادهای مدنی در مشروعیت‌بخشی به خط‌مشی، نهادهای مدنی واسط و تسهیل گفت‌وگوی دولت-ملت، سرمایه اجتماعی نهادی و کارآمدی بوروکراسی اجرایی، نهادهای میانجی و تبدیل سرمایه اجتماعی به ظرفیت سیاستی، سازوکارهای نهادی جذب و سازماندهی مشارکت مردمی می باشد.

مضمون اصلی دانش بومی، تاب‌آوری، هویت و تبدیل سرمایه اجتماعی که شامل زیر مضامین دانش بومی و بومی‌سازی الگوهای وارداتی سیاست‌گذاری، نوآوری اجتماعی و خلق راه‌حل‌های بومی برای مسائل عمومی، آینده‌نگری راهبردی در تنظیم اهداف بلندمدت پیشرفت، انسجام اجتماعی و کاهش شکاف‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی، همبستگی‌اجتماعی و تاب‌آوری سیاست‌ها در شرایط بحران، سرمایه اجتماعی و تسهیل اجرای سیاست‌های پیچیده و چندبخشی، هویت فرهنگی ملی و جهت‌گیری نرم سیاست‌های فرهنگی، دیپلماسی مبتنی بر سرمایه اجتماعی و قدرت نرم ملی، سیاست‌های فرهنگی مولد سرمایه‌اجتماعی پایدار، ظرفیت‌های محلی و غیر متمرکزسازی فرآیند تدوین سیاست، همسویی خط‌مشی‌ها با اصول توسعه پایدار اسلامی، تبدیل سرمایه اجتماعی به منابع مکمل اجرای خط‌مشی، طراحی نهادی برای تبدیل سرمایه اجتماعی به قدرت سیاست‌گذاری می باشد. نتایج حاصل از این یافته با نتایج پژوهش‌های امینی شاد و همکاران (۱۳۹۸)، رئوفی و همکاران (۱۴۰۴)، مشیری و مقدسی (۱۴۰۴)، منوریان (۱۴۰۴)، اکبری اقدم و باقری (۱۴۰۴)، زارع شاه آبادی و فخارزاده (۱۴۰۵)، اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۵)، مرگونی و د وایت[1] (۲۰۲۲)، نیسا و همکاران[2] (۲۰۲۴)، رحمان و همکاران (۲۰۲۵) همخوان و همسو می‌باشد.

در تبیین و توجیه این سؤال می‌توان گفت تدوین الگوی حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی ملی در در پی آن بود که یکی از خلأهای بنیادین در عرصه حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی کشور را مورد بررسی قرار دهد.

1- Mergoni & De Witte
2- Nisa et al.

این خلأ از آنجا ناشی می‌شود که در بسیاری از موارد، خط‌مشی‌گذاری عمومی در سطح رسمی و اجرایی، عمدتاً در قالب سازوکارهای حقوقی، اداری و فنی فهم و اجرا می‌شود، حال آنکه واقعیت حکمرانی خوب و پایدار، ماهیتی بسیار پیچیده‌تر، عمیق‌تر و چندلایه‌تر دارد. حکمرانی خوب و پایدار در هر جامعه‌ای نه‌تنها محصول تصمیمات نهادهای رسمی، بلکه برآمده از کیفیت روابط اجتماعی، میزان اعتماد میان دولت و ملت، سطح مشارکت گروه‌های اجتماعی، انسجام هنجاری، مشروعیت نهادی و ظرفیت هم‌افزایی میان کنشگران مختلف است. به بیان دیگر، اگرچه حکمرانی خوب و پایدار در ظاهر در اتاق‌های تصمیم‌گیری شکل می‌گیرد، اما در باطن، در بستر سرمایه اجتماعی جامعه معنا پیدا می‌کند و در همان بستر نیز به پذیرش یا عدم‌پذیرش، موفقیت یا ناکامی، و پایداری یا فرسایش دچار می‌شود. از این رو، پرداختن به سرمایه اجتماعی ملی در پیوند با خط‌مشی‌گذاری عمومی، صرفاً یک انتخاب موضوعی نبوده، بلکه پاسخی به ضرورتی معرفتی و حکمرانی بوده است. جامعه‌ای که در آن سرمایه اجتماعی دچار ضعف، تشتت یا فرسایش باشد، حتی با برخورداری از اسناد توسعه‌ای، برنامه‌های کلان و ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری، در تحقق اثربخش اهداف سیاستی خود با دشواری مواجه می‌شود. در مقابل، جامعه‌ای که از سطح مناسبی از اعتماد عمومی، همبستگی اجتماعی، هنجارهای مشترک، روحیه همکاری، مسئولیت‌پذیری جمعی و پیوند مثبت میان مردم و حاکمیت برخوردار باشد، می‌تواند ظرفیت‌های خط‌مشی‌گذاری خود را به‌طور چشمگیری ارتقا دهد. در چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی ملی به یک منبع راهبردی برای ارتقای کیفیت حکمرانی، افزایش مشروعیت سیاست‌ها، تقویت مقبولیت عمومی و تسهیل اجرای برنامه‌ها بدل می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد مضمون‌های اصلی «اعتماد و مشروعیت در فرآیند حکمرانی خوب و پایدار»، «شبکه‌ها و جریان اطلاعات در سیاست‌گذاری»، «مشارکت شهروندی و حکمرانی مشارکتی»، «هنجارها، ارزش‌ها و اخلاق سیاست‌گذاری»، «عدالت، کرامت انسانی و نهادهای میانجی»، «دانش بومی، تاب‌آوری، هویت و تبدیل سرمایه اجتماعی» تشکیل‌دهنده الگوی حکمرانی خوب و پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی در شهرداری تهران می‌باشند.

نتایج حاصل از این یافته با نتایج پژوهش‌های نفیسی و همکاران (۱۴۰۴)، اکبری اقدم و باقری (۱۴۰۴)، منتی و عشایری (۱۴۰۵)، جلالوند و همکاران (۱۴۰۴)، اقبالی و همکاران (۱۴۰۵)، یان و لیو[1] (۲۰۲۳)، تریدالستاری و پراستیو[2] (۲۰۲۴) همخوان و همسو می‌باشد.

در تبیین و توجیه این سؤال می‌توان گفت توسعه پایدار را می‌توان تلفیق معنادار اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با دستیابی به حداکثر رفاه و سلامت انسان دانست، به‌گونه‌ای که به توانایی‌های نسل آینده برای برآوردن نیازهای‌شان آسیبی وارد نشود. از مهم‌ترین راه‌های برقراری توسعه پایدار می‌توان به سازوکارهای حکمرانی خوب به‌عنوان یک عامل در ایجاد، حفظ و ارتقای زندگی انسان‌ها و جوامع اشاره کرد. حکمرانی خوب مفهومی است مشتمل

1- Yan & Liu
2- Tridalestari & Prasetyo

بر معیارها و استانداردها، رویه ها و اصول حکومتداری که دولتها از طریق آن امور عمومی را به انجام می رسانند، منابع عمومی را اداره می کنند و حقوق بشر را تضمین می نمایند. از ارکان مهم حکمرانی خوب می توان شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف پذیری دولت را نام برد. حکمرانی خوب نسبت نزدیکی با مردم سالاری و فرآیندهای دمکراتیک دارد و به سخن بهتر، مجموعه ای از معیارها و شاخصه های کاربردی نظام های سیاسی دمکراتیک در ابعاد فرآیندی، ساختاری و ماهوی است. از سوی دیگر، تحقق این مفهوم و حاکمیت دمکراتیک مستلزم حکومت (نهادها و ساختارهای) دمکراتیک و جمهوری است. اصل تفکیک و تعامل قوا به عنوان یک اصل سازمانی در خدمت حقوق بشر و آزادیها بوده و با توزیع و سرشکن نمودن اقتدار سیاسی، نظام پاسخگو، شفاف و قانونمند است. بدین لحاظ حکمرانی خوب پیوند وثیقی با نوع ساختار حکومت دارد و ساختارهای دمکراتیک از شرایط پیشینی حکمرانی خوب است.

نتایج تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد و مضامین اصلی به وسیله مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) نشان می‌دهد اعتماد و مشروعیت در فرآیند حکمرانی خوب و پایدار، مشارکت شهروندی و حکمرانی مشارکتی، عدالت، کرامت انسانی و نهادهای میانجی، دانش بومی، تاب‌آوری، هویت و تبدیل سرمایه اجتماعی در سطح اول و همچنین شبکه‌ها و جریان اطلاعات در سیاست‌گذاری، هنجارها، ارزش‌ها و اخلاق سیاست‌گذاری در سطح دوم قرار دارند.

نتایج حاصل از این یافته با نتایج پژوهش‌های اقبالی و همکاران (۱۴۰۵)، اسکندری (۱۴۰۵)، یعقوبی و صالحی نوذز (۱۴۰۵)، کیانوش و همکاران (۱۴۰۵)، جلالوند و همکاران (۱۴۰۵)، اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۵)، رضایی و خنیفر (۱۴۰۵)، شکوروف[1] (۲۰۲۳)، داسا و همکاران (۲۰۲۵)، مارتین و همکاران (۲۰۲۵)همخوان و همسو می‌باشد.

در تبیین و توجیه این سؤال می‌توان گفت بدون شک، دنیای امروز حکمرانی خوب و پایدار و سرمایه اجتماعی با چالش‌های متعددی مواجه هستند و این چالش‌ها نیازمند سیاست‌هایی نوآورانه و هم راستا با شرایط متغیر هستند. به همین جهت، خط مشی گذاران باید قادر باشند تا به سرعت به شرایط جدید پاسخ دهند و راهکارهای موثری را برای مواجهه با چالش‌ها ارائه کنند. در مجموع، کارکردهای حکمرانی خوب و پایدار نه تنها محدود به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درباره توسعه سرمایه اجتماعی ملی و پیشرفت نیست، بلکه به موضوعاتی پیچیده همچون شفافیت، مشارکت، ارزیابی و انعطاف پذیری نیز مربوط می‌شود. این جوانب در مجموع به موفقیت سیاست‌ها و تحقق اهداف عمومی کمک می‌کند و به ارتقای کیفیت زندگی در جامعه می‌انجامد. حکمرانی خوب و پایدار به عنوان پلی میان دولت و شهروندان عمل می‌کند و وظیفه دارد تا شاید صدای مردم را به گوش مسئولان برساند و در نهایت، به بهبود شرایط و حل مشکلات جامعه و پیشرفت همه جانبه در تمامی سطوح ملی و بین‌المللی متناسب با اهداف و چشم اندازهای نظام جمهوری اسلامی

1- Shkurov

ایران کمک کند. از اینرو فرآیند حکمرانی خوب و پایدار نیازمند شناخت دقیق مسائل، تدوین راه حل های مناسب، اجرای دقیق و ارزیابی مستمر است تا بتواند به نتایج مطلوب دست یافت.

یکی از محدودیت‌های متداول در تحقیقاتی که مشارکت‌کنندگان آن خبرگان و کارشناسان است، به‌ویژه پژوهش‌هایی که به روش کیفی انجام می‌شود، گرفتاری‌های شغلی این افراد و مشکلات مربوط به تنظیم زمان مصاحبه است. در این پژوهش نیز تغییر زمان انجام مصاحبه و هماهنگی مجدد آن‌ها بارها اتفاق افتاد و این امر، بر زمان‌بندی کار اثر نامطلوبی می‌گذارد. عدم دسترسی به خبرگان مسلط بر موضوع حکمرانی خوب و پایدار و سرمایه اجتماعی و کمبود منابع علمی مناسب داخلی مرتبط؛ و نیز پیش‌بینی عدم دسترسی راحت و آسان به نمونه آماری پژوهش و به دست آوردن برخی اطلاعات می توان اشاره کرد. علاوه بر این به دلیل گستردگی مقوله ها امکان تبیین گسترده مستند و مستدل پیش از موارد ذکر شده وجود نداشت. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می گردد در هنگام اجرای حکمرانی خوب و پایدار و سرمایه اجتماعی، برنامه‌ریزی برای ارزیابی و بهبود از طریق چرخه‌ی بهبود مستمر و اخذ بازخورد و اقدامات اصلاحی صورت بگیرد در این چرخه نیاز است تا یک چرخه کاری چهار مرحله ای برای انجام تغییرات و بهبود فرآیند ها در اجرای حکمرانی خوب و پایدار و سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود. پیشنهاد می‌گردد برای ترمیم زخم‌های اعتماد عمومی باید «سامانه شفافیت فرآیندی» ایجاد شود که در آن نه تنها خروجی سیاست‌ها، بلکه منطق تصمیم‌گیری و ذی‌نفعان هر تصمیم به اطلاع عموم برسد. تبیین اقناعی دلایل تغییر سیاست‌ها و عذرخواهی رسمی در صورت شکست یک خط‌مشی، از ابزارهای حیاتی برای بازسازی سرمایه اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی است.

## منابع

اخوان‌کاظمی، م.، و لطفی، ک. (۱۴۰۵). بازشناسی آموزه‌های آئینی ورزش باستانی و جایگاه آن در تحکیم سرمایه اجتماعی در ایران. *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*، (۲۵)، ۸۳-۱۰۱.

اسکندری، ر. (۱۴۰۵). حکمرانی حکمت‌محور در عرصه هنر اسلامی: تدوین الگویی برای نهادهای فرهنگی هنری. *فصلنامه جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی*، (۱۳)، ۱۲۲-۱۲۹.

اسماعیلی، ا.، زهدی، م. ج.، برزگر، ع.، و سالاریان، م. (۱۴۰۵). ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر با رویکرد توسعه پایدار شهری. *فصلنامه پایا شهر*، (۸۵)، ۸۴۷-۸۵۶.

اقبالی، ص.، صیادی، س.، سلاجقه، س.، و نیک‌پور، ا. (۱۴۰۵). فرابرگزینش تحقیقات حکمرانی منابع انسانی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، (۱۲۶)، ۱۵۰-۱۸۳.

اکبری اقدم، ص.، و باقری، ش. (۱۴۰۴). طراحی الگوی حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نظریه سه‌وجهی عاملیت، ساختار و فرهنگ. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱(۴)، ۱۹۴-۲۰۵.

امینی‌شاد، ع.، منوریان، ع.، و امیری، م. (۱۳۹۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب در شهرداری تهران. *فصلنامه آینده‌پژوهی در مدیریت*، ۳۰(۱۱۸)، ۱-۲۲.

بهادر، ف. (۱۴۰۳). سرمایه اجتماعی و حکمرانی: نقش اعتماد در سیاست‌گذاری‌های عمومی. *مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی*، همدان. https://civilica.com/doc/2221458

جلالوند، م.، جودکی، ح.، اربابی سبزواری، آ.، و رستم‌پیشه، م. (۱۴۰۴). تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب شهری بر تحقق توسعه پایدار (مطالعه موردی: منطقه ۲ کلانشهر تهران). *فصلنامه اندیشه‌های نو در علوم جغرافیایی*، ۴(۱۱)، ۱-۲۲.

جلالوند، م.، درخشان، ر.، اسماعیلی، ا.، و طوطیان اصفهانی، ص. (۱۴۰۵). طراحی مدل حکمرانی نوآوری ملی با تأکید بر ظرفیت‌سازی نهادی (مورد مطالعه: شرکت‌های دانش‌بنیان). *فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*، (۲۱)، ۱-۲۶.

رسولی، گ.، دانش‌فرد، ک.، و زاهدی، س. م. (۱۴۰۵). ارائه و تحلیل الگوی آسیب‌شناسی سرمایه اجتماعی در سازمان. *فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز آموزش*، (۲۷)، ۴۲۸-۴۴۵.

رضایی، ه.، و خنیفر، ح. (۱۴۰۵). چارچوب رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و نوآوری با روش فراترکیب. *فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۳(۴۷)، ۳۸-۵۵.

رفتاری، م.، زارعی متین، ح.، و امیری، ع. ن. (۱۴۰۵). سرمایهٔ اجتماعی به مثابهٔ راهبرد برندسازی شخصی برای مدرسان مدیریت. *فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۲۴(۱)، ۵۰-۶۴.

رئوفی، ا.، حقیقی، ه.، خانجانخانی، خ.، غلامی، م.، و تکیان، ا. ح. (۱۴۰۴). حکمرانی خوب: چالش‌ها و فرصت‌های بافتار بومی ایران در نیل به توسعه پایدار سلامت. *نشریه پایش*، ۲۴(۲)، ۱۶۵-۱۸۳.

زارع شاه‌آبادی، ا.، و فخارزاده، ف. (۱۴۰۵). رابطه سرمایه اجتماعی و نافرمانی اجتماعی در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه ناحیه یک شهر یزد. *فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش*، (۷۱)، ۱۲۱-۱۳۶.

زنگباری، ر.، پوریانی، م. ح.، و اژدری‌زاده، ح. (۱۴۰۵). نقش سرمایه اجتماعی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش ایران (مورد مطالعه استان مرکزی). *فصلنامه مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران*، (۱۷)، ۷۱-۸۱.

شریعت‌نژاد، ع.، عارف‌نژاد، م.، موسوی، س. ن.، و منیشداوی، ا. (۱۴۰۵). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تاب‌آفرینی کارآفرینی با نقش میانجی اشتیاق کارآفرینی در شرکت‌های دانش‌بنیان. *فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۳(۴۷)، ۹۰-۱۰۲.

فتحی چگنی، ف. (۱۴۰۵). ارائهٔ الگوی مطلوب حکمرانی فرهنگی در دانشگاه: کاربرد نظریهٔ داده‌بنیاد. *فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۲۴(۲)، ۱۵۰-۱۶۲.

فتحی‌چگنی، ف. (۱۴۰۵). فیورتیسم سازمانی و رفتارهای کناره‌گیرانه کارکنان: تبیین نقش میانجی سرمایه اجتماعی در سازمان‌های دولتی. *فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۱۳(۴۷)، ۵۸-۷۰.

قجاوند، ق.، پاسدار، س.، و زرخوانی، ز. (۱۴۰۵). اثربخشی مداخله مددکاری‌اجتماعی گروهی با رویکرد آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سرسختی روانشناختی و سرمایه اجتماعی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه پایا شهر*، (۸۴)، ۴۱-۵۰.

کیانوش، ر.، ذوقی، م. ص.، و قاضیان، م. (۱۴۰۵). نهادینه‌سازی راهنمای جامع حکمرانی اسلامی در سه لایه پیکره دانش، تأسیس رشته و تربیت حکمران‌ها. *فصلنامه مطالعات حکمرانی اسلامی*، (۳)، ۲۸۴-۳۰۸.

محمدیان، ر.، و رزم‌جوئی، ص. (۱۴۰۵). اقتصاد سیاسی حکمرانی در ایران (تحلیل جامعه‌شناختی قدرت و نابرابری). *مجله پایا شهر*، (۸۲)، ۱۳۸-۱۵۶.

محمدیان، ر.، و رزم‌جوئی، ص. (۱۴۰۵). حکمرانی در سایه نابرابری (تأملی جامعه‌شناختی بر ایران معاصر). *مجله پایا شهر*، (۸۲)، ۸۴۶-۸۶۴

مختاری، ع.، راد، ف.، و فاضل، ر. (۱۴۰۵). اثر ساختاربندی فرهنگی (اسلامی، غربی، ایرانی و محلی) بر کنش فرهنگی (قانون‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، رعایت فرهنگ شهرنشینی و سرمایه اجتماعی) در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور کشور. *فصلنامه مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران*، (۱۷)، ۳۸۴-۴۰۹.

مشیری، م. ج.، و مقدسی، ع. (۱۴۰۴). ارائه الگوی کارآفرینی استراتژیک در حوزه حکمرانی الکترونیک شهری. *فصلنامه ارزش‌آفرینی در مدیریت کسب و کار*، (۱۸)، ۴۰۸-۴۳۳.

منتی، ا.، و عشایری، ط. (۱۴۰۵). فرایند توسعه سیاسی ایران با تأکید بر شاخص سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی: فراتحلیلی بر تحقیقات (۱۴۰۳-۱۳۸۴). *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، (۵۶)، ۱۲۷-۱۵۲.

منوریان، ع. (۱۴۰۴). مدیریت و توسعه اجتماعی در عصر پیچیدگی‌های نوین حکمرانی. *فصلنامه مدیریت و توسعه اجتماعی*، (۲)، ۱-۳.

نفیسی، ع.، دادگستر، س. م. ر.، و حدادی، ع. (۱۴۰۴). تحلیل روندمحور سیاست‌های فضای مجازی در ایران: رویکرد ارتقای متوازن حکمرانی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱(۴)، ۱۱۱-۱۳۲.

وظیفه، ر.، و درستکار حاجی‌خواجه‌لو، ن. (۱۴۰۵). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با آوای سازمانی با نقش میانجی نشاط سازمانی (مورد مطالعه: معلمان آموزش و پرورش شهرستان اصلاندوز). *فصلنامه مطالعات مدیریت و کارآفرینی*، (۵۵)، ۵۶-۶۹.

یعقوبی، م.، و صالحی نوذز، ا. (۱۴۰۵). طراحی الگوی استقرار حکمرانی دیجیتال در سازمان‌های دولتی ایران با رویکرد فراترکیب. *فصلنامه حکمرانی و توسعه*، (۲۱)، ۱۳۶-۱۵۲.

Ben-Hador, B., & Hopkins, T. (2025). How to conform to the political jungle: Organizational politics, social capital, and employee performance. *Journal of Management & Organization*, 1-23. https://doi.org/10.1017/jmo.2025.10046

Bláha, P. (2024). Populism and social capital in structurally disadvantaged regions and the 2023 Czech presidential election: Making democracy work again? *Journal of Contemporary European Studies*, 32(4). https://doi.org/10.1080/14782804.2023.2293778

Capano, G., & Lepori, B. (2024). Designing policies that could work: Understanding the interaction between policy design spaces and organizational responses in public sector. *Policy Sciences*, 57, 53–82. https://doi.org/10.1007/s11077-024-09521-0

Daša, K., Liesbeth, M., Peter, A., Juliana, M. T., Augusto, P. G., Ines, B., Marina, P., Guillermina, N. R., Miriam, A., Alejandra, P. De, León, N., & Bautista, A. (2023). Policy factors influencing the implementation of primary care-based alcohol screening: A comparison of Colombia, Mexico and Peru. *An International Journal for Research, Policy and Practice*, 18(1).

Do, H., Bach, N., & Manh, D. (2026). Social capital and SME innovations: The importance of knowledge combination and customer demands. *Small Business Economics*, 66, 323–360. https://doi.org/10.1007/s11187-025-01105-3

Fischer, E., & Reuber, A. R. (2025). Design and validation of an instrument for evaluating the social capital of faculty members. *Iran Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 55(6), 77–103.

García-Altés, A., McKee, M., Siciliani, L., Barros, P. P., Lehtonen, L., Rogers, H., Kringos, D., Zaletel, J., & De Maeseneer, J. (2023). Understanding public procurement within the health sector: A priority in a post-COVID-19 world. *Health Economics, Policy and Law*, 18(2), 172–185.

Guo, H. (2025). The alienation phenomenon of fan culture in the digital age and governance suggestions. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*, 106(1), 57–64. https://doi.org/10.54254/2753-7048/2025.CB25100

Martin, B., Lair, D., & Sullivan, K. (2025). Social capital as process: The meanings and problems of a theoretical metaphor. *Sociological Inquiry*, 102(8), 25–41.

Mergoni, A., & De Witte, K. (2022). Policy evaluation and efficiency: A systematic literature review. *International Transactions in Operational Research*, 29(3), 1337–1359.

Nguyen Thi, M. A., & Vu Dinh, K. (2025). Social capital and sustainable performance: Examining the mediating role of supply chain resilience in an emerging economy. *Discover Sustainability*, 6(1), 1–18. https://doi.org/10.1007/s43621-025-01692-x

Nisa, A. K., Zauhar, S., & Hermawan, H. (2024). Public service planning in the new public service perspective (Study at the Nganjuk District Population and Civil Registration Office). *Jurnal Sosial dan Humaniora*, 33(9).

Rachmania, B., & Liana, Y. (2026). The role of training in increasing the productivity of Tempe Sanan chips MSMEs through social capital. *Journal Ilmiah Bisnis dan Ekonomi Asia*, 20(2). https://doi.org/10.32815/jibeka.v20i2.2439

Rahman, H., Ridwan, E., & Devianto, D. (2025). The effect of social capital on resilience with an emphasis on the mediating role of organizational citizenship behavior in crises. *International Journal of Organizational Analysis*, 29(1), 240–259.

Shaharuddin, S. S., Taha, A. Z., Mohtar, M., Prihatiningtias, Y. W., & Husin, H. (2024). The moderating effect of cultural influence on governance and the economy. *Pakistan Journal of Life and Social Sciences*, 22(1), 842–869. https://doi.org/10.57239/PJLSS-2024-22.1.0059

Shkurov, Y. (2023). Universities as factor of social development of the city. *Public Management and Digital Practices*, 2(2), 1–14. https://doi.org/10.31673/2786-7412.2023.023857

Tridalestari, F. A., & Prasetyo, H. N. (2024). Impact of data cultural aspect to data governance program in higher education. *Journal of Governance and Regulation*, 13(3). https://doi.org/10.22495/jgrv13i3art1

Yan, W., & Liu, S. (2023). Creative economy and sustainable development: Shaping flexible cultural governance model for creativity. *Sustainability*, 15(5), 1–28. https://doi.org/10.3390/su15054353